

#### علیه فراموشی

### پیگیری آلام بازماندگان

#### سیدحسین مهرآوران

● یک ماه یا نه بهتر بگویم، قرتی عزرا و ماتم بر ایران گذشته است. فاجعه سقوط پرواز تهران- کی‌یف نقطه آغاز ماجراست، ۶:۱۸ صبح هجدهم دی‌ماه ۹۸، پرواز ۷۵۲ خطوط هوایی اوکراین به دنبال شلیک پدافند سقوط می‌کند و آرزوهای ۱۷۶ مسافر، مهاجر، نخبه و میهمان یک سرزمین پایان می‌پذیرد. فضای پراشتاب سیاسی به‌یک‌باره فراموش می‌شود و خاطره جمعی ایرانیان در جای‌جای گیتی غرق در سوگوِ پرنده‌های مهاجر ازدست‌رفته است، فراخوان‌های توییت‌ری برای روشن‌کردن ششم به یادبود ازدست‌رفتگان در میادین شهرها با هشدار مواجه می‌شود و گفت‌وگوها و اعلام مواضع خبری برخی مقامات رسمی پرباهام جلوه می‌کند. بازتاب دیدگاه‌های متفاوت با روایت‌های منتشرشده رسمی از جانب بعضی رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی از علل رخداد فاجعه به واکنش برخی مقامات دولتی منجر می‌شود. دیری نمی‌گذرد که کلیپ‌های اصابت موشک، عکس‌ها و شواهد آسیب‌های بدنه هواپیما در کنار واکنش‌های پیگیرانه دولت کانادا و برخی دیگر از کشورها به اعلام نظر و پذیرش مسئولیت سقوط با واکنش غیرعمدِ پدافند خودی منجر می‌شود.
بیانیه رئیس‌جمهور خبر از موارد زیر می‌دهد:

الف- تحقیقات تکمیلی برای شناسایی کلیه علل و عوامل این فاجعه
ب- پیگرد قانونی مسببان این اشتباه ناخوشدنی
ج- اطلاع نتایج به استحضار ایرانیان
د- رفع نقاط ضعف سامانه‌های پدافندی با اتخاذ ترتیبات و تمهیدات لازم.

با گذشت یک ماه از سانحه سقوط در کجا ایستاده‌ایم؟

۱- با انتشار فایل صوتی مکالمه خلبان پرواز آسمان و دو نوبت اشاره به رویت موشک، پرسش‌هایی جدی درباره روایت دولت از زمان اطلاع رئیس سازمان هواپیمایی کشوری، رئیس‌جمهور و سایر مسئولان دولتی در میان است و بیانیه سازمان هواپیمایی کشوری و مصاحبه واعظی درباره «شیء رویت‌شده» فقط به بار تردیدهای پیشین افزوده است. در حقیقت تشدید بحران سقوط اعتماد عمومی در نتیجه سه روز تأخیر در اعلام دلیل اصلی سانحه این‌گونه در زنجیره‌های بعدی دآوری عمومی درباره مواضع مسئولان جلوه می‌کند.

۲- برخلاف دیدگاه‌های ابرازشده نخستین در روزهای پس از پذیرش مسئولیت سقوط برای بررسی جعبه سیاه در کشورهای با امکانات پیشرفته و به روز، واکنش‌های پسینی مبنی‌بر تحویل‌ندان جعبه سیاه و اصرار بر ادامه بررسی‌ها و بازخوانی آن در داخل کشور مسئله‌ای است که قابل درک به نظر نمی‌رسد و با عزم دولت برای نیل به اهداف پیش‌گفته همخوانی ندارد. این در حالی است که شفافیت، یاری‌گرفتن از کمک سایر دولت‌های برخوردار از توانمندی‌های به‌روز تکنولوژیک به ترمیم بیشتر اعتماد آسیب‌دیده عمومی و تسکین هر چند اندک آلام خانواده‌های داغدار منجر خواهد شد.

۳- درباره مسببان فاجعه سقوط آنچه تاکنون انتشار یافته، دستگیری اپراتور سامانه مسئول است. درباره سایر افراد مسئول و سهم تقصیر هر یک اما تا بررسی ژرف‌نگرانه اسرار جعبه سیاه هواپیما و مکالمات ثبت‌شده برج مراقبت فروگاه امام باید منظر ماند. اما تو ای پدر و مادر داغ دیده‌ام! با تو می‌گویم که تلخ‌ها و دشواری‌های ثانیه‌های روزهای گذشته‌ات را هرگز نمی‌توانم تصور کنم؛ برایت می‌نویسم که گرچه روزهایی بسیار به عمر تقویم نگذشته است، داغ جان‌باختن مظلومانه مسافران این پرواز و یاد پریس‌ها و ریزه‌راهی آن را با گذشت روزهای تقویم هرگز فراموش نمی‌شود.

#### اتفاق

### جایزه مریم میرزاخانی به استاد دانشگاه MITتعلق گرفت

● آکادمی ملی علوم آمریکا، لری گاث، استاد مؤسسه فناوری ماساچوست (MIT) را برنده جایزه مریم میرزاخانی در ۲۰۲۰ اعلام کرد. به گزارش خبرگزاری‌ها، از بنیاد ریاضی آمریکا، این استاد دانشگاه به پاس ایجاد ارتباطی شگفت‌انگیز، اصیل و عمیق میان هندسه، تحلیل و نقشه‌شناسی ترکیبات که به ایجاد راه‌حلی برای چالش‌های مختلف در این زمینه منجر شده، موفق به دریافت این جایزه شده است. «ترکیبات، شاخه‌ای از ریاضیات است که به بررسی ساختارهای متاهی و شمارا می‌پردازد. همچنین در ریاضیات، توپولوژی به خواص هندسی اشیاء مربوط می‌شود که تحت تغییر شکل‌های پیوسته مانند کشیدگی، پیچش، میچاله‌کردن و خم‌کردن حفظ شده، اما تحت فشاری یا جسیب‌اندی حفظ نمی‌شوند. قرار است این جایزه که ارزش آن ۲۰ هزار دلار است، در ۲۶ آوریل در مراسم صدوینچاهمین گردهمایی سالانه آکادمی علوم آمریکا به گاث اهدا شود. قرار است جایزه «مریم میرزاخانی» برسه‌اله از طرف آکادمی ملی علوم ایالات متحده به کمک‌ها و پیشرفت‌های استثنائی در علم ریاضی تعلق گیرد. «لری گاث» در بسیاری از زمینه‌های ریاضیات از جمله هندسه سیستولیک، تجزیه و تحلیل و ترکیبات، کمک‌های چشمگیری داشته است. آکادمی ملی علوم «NAS» سازمان‌های غیرانتفاعی در ایالات متحده است. اعضای آن به طور عام‌المنفعه به‌عنوان مشاوران علمی، مهندسی و پزشکی خدمت می‌کنند.

# شترخوار

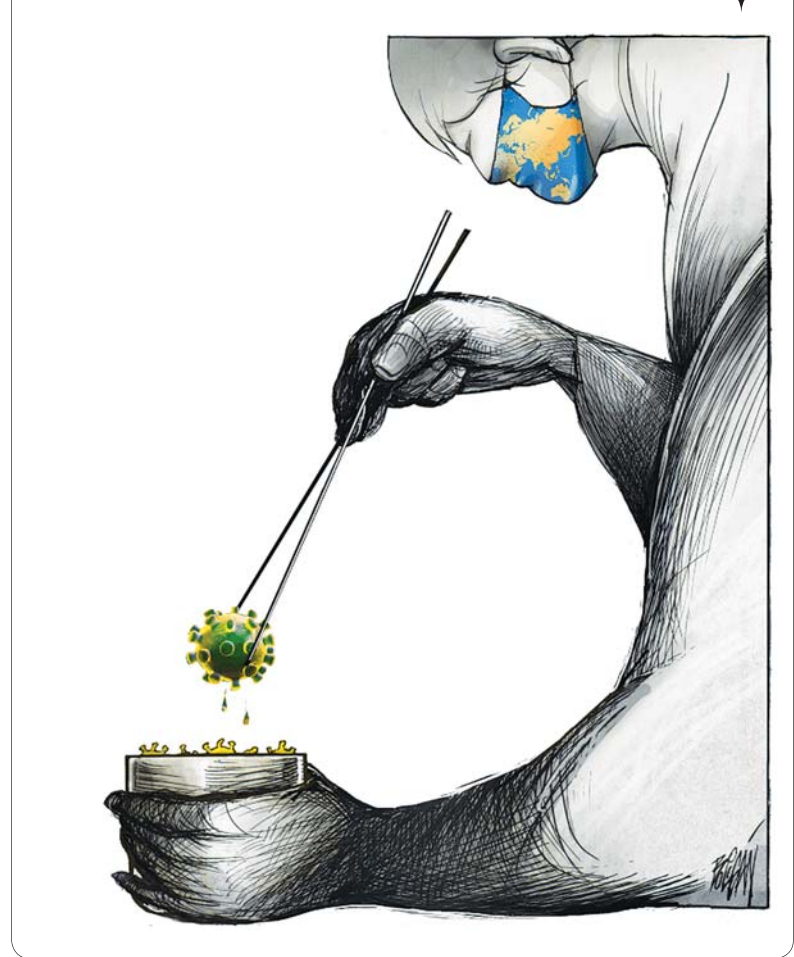
www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۸ • ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ • ۱۰ فوریه ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۴۴ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۹ • اذان مغرب ۱۷:۵۹ • اذان صبح فردا ۵:۳۱ • طلوع آفتاب ۶:۵۶

### روزنفرآ

#### کارتون خواب

#### آتجل بولیگان



#### صنف

## رعایت حق مسلم آزادی بیان

احضار روزنامه‌نگاران و همچنین ضبط وسایل آنها در منزلشان، از مسائلی است که در ۱۰ روز گذشته اتفاق افتاده. نهادهای مدنی در زمینه رسانه نسبت به این اتفاقات واکنش نشان داده‌اند. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران آزاد تهران در بیانیه‌ای درخواست کرده است این برخورد امنیتی با روزنامه‌نگاران متوقف شود. در بخش‌هایی از این بیانیه آمده است: «صنف روزنامه‌نگاران سال‌هاست مانند دیگر اصناف آماج فشارها بوده است. جرم آنان انجام وظیفه رسانه‌ای، کوشش برای حق دسترسی آزاد مردم به اطلاعات، افشای حقیقت و بیان آرای شفاف مردم است. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران آزاد تهران نیز مانند دیگر تشکل‌های آزاد، همواره تحت فشارهایی بوده و پیوسته کوشیده است با تاکید و تکیه بر هدف و وظیفه حقیقی انجمن از حقوق صنفی روزنامه‌نگاران و بالطبع مردمی که قهری با روزنامه‌نگاران را به‌شدت محکوم می‌کند،

#### گزارش دیگران

## دفتر مجله «توفیق» را هم به لودر می سپارند!

ایسنا روز ۱۹ بهمن گزارشی از نابودی یک مکان تاریخی دیگر در تهران تهیه کرده است. سسمیه ایمانیان نوشته است: دستگاه‌های سنگین را سوار تریلی می‌کنند، تقریباً چیزیی در داخل حیاط باقی نمانده، شنیده بودیم تقاطع کوچه بخارا و خیابان صف، یکی از تحریریه‌ها و چاپخانه مجله توفیق قرار دارد و این همان ساختمان است، سردر اصلی نبش کوچه بخارا را با رنگ آبی مشخص کرده‌اند: «شرکت چاپ رنگین...» در حیاط باز است، وارد می‌شویم اما سرایدار به ناایمن‌بودن فضا اشاره می‌کند و اجازه ورود بیشتر از فضای حیاط را نمی‌دهد. نخستین تعریفی که سرایدار از ساختمان دارد را در این جمله خلاصه می‌کند: «چند سال ساختمان توفیق اینجا بود، دفتر حسین آقا هم این‌کوشه (به بخشی از ساختمان بعد از عبور از راهرو اشاره می‌کند) بوده. شاید هم می‌خواست حرف آخر را اول بزند. در و پنجره‌های طبقه بالا همه لخت شده‌اند، از سرایدار می‌پوایم که چرا بهمانه این تنها مکانی است که این تنها مکانی است که احتمال آوارشدن بنا روی سرمان اجازه نمی‌دهد. تا اینکه بخت یارمان می‌شود، تلفنش زنگ می‌خورد و در نبودش می‌توانیم از فضای پشتی بنا یکی دو عکس بگیریم. سرایدار بین صحبت‌هایش می‌گوید «بعد از چند سال سکونت مالک که روایت‌ها آن را به یکی از شهرداران وقت تهران نسبت می‌دهند،

#### آکادمی

## تبریزیان چه شد؟

احتمالی (که بعید می‌دانم) است که می‌تواند باعث شود بسیاری از معتقدان بی‌اعتقاد و بسیاری از افراد لادری‌گرا (بیماری مهلک فرهنگی ما) که با هیچ چیز مخالفت جدی نمی‌کنند و موافق سینه‌چاک هیچ چیز هم نیستند، حداقل در یک موضوع به اطمینان برسند!
گرنه بیانیه را می‌توان با بیانیه جواب داد و هردم هم بر تند آن افزود. جمعیت و گروه بیانیه‌دهنده هم که الحمدالله فراوان داریم، کما اینکه جناب تبریزیان هم بعد از این انتقادات دقیقاً همین کار را کردند و حالا بازهم مردم و عرصه عمومی بلا تکلیف دو نوع بیانیه هستند. در بسیاری از جوامع، تاریخ انواع محاکمات و نتیجه‌گیری‌های آنهاست که نه‌تنها نتیجه محاکمات آینده بلکه اساساً فرهنگ و اعتقادات عمومی را رقم می‌زند و این نکته مهمی است که درخواست محاکمه آقای تبریزیان را واجد اهمیت زیادتی می‌کند و از این جهت درنظرگرفتن مجازاتی برای شخص ایشان مورد نظر نیست. برعکس بنده تصور می‌کنم بعد از محکومیت و در صورت اقرار ایشان به خطا بهتر است به بهانه جهالت از مجازات معاف بشنوند. به همین دلایل است که درخواست و پیگیری محکمه ایشان می‌تواند یک کمپین جامعه پزشکی با اهدافی را به جهت ارتقای سلامت عمومی و اصلاح اعتقادات خرافی که چون زنجیره‌ای به هم پیوسته هستند، باشد. در جامعه ما که مثل بیماران مبتلا به آلزایمر تنها حافظه فوری‌اش کار می‌کند، رویدادها را به خاطره درازمدتش نمی‌سپارد و به‌زودی موضوع دیگری جای موضوع تبریزیان را در پیشخوان ذهن عموم اشغال می‌کند. یادداشت حقیر را می‌توان اولین یادآور به حساب آورد تا ببینیم در آینده خود نگارنده توانایی‌اش در به‌خاطر‌سیردن و یادآوری‌های بعدی تا چه حد از بیماری فوق‌الذکر تأثیر پذیرفته است؟

#### قلم سبز

## سرمایه‌گذاری به گل‌نشسته

وختام شرایط اقلیمی در سال‌های آینده، ازدست‌دادن سردکننده به‌دلیل قطع برق همچنین خطری جدی برای راکتورهاست که طول عمر آنها به مدت ۶۰ سال در نظر گرفته شده است. با وجود این، شاید بر این باور نیست حتی راکتورهایی که در حال حاضر ساخته می‌شوند، به مدتی طولانی برای مصارف تجاری استفاده شوند. او می‌گوید: «واقعیت آن است که برق استحصال‌شده از راکتورهای جدید حداقل سه برابر گران‌تر از برق تولیدشده از انرژی‌های تجدیدپذیر خواهد بود و این برای مصرف‌کنندگان هشداردهنده است. دولت‌ها نیز برای جلوگیری از گران‌ترشدن بیش از حد قبض برق مصرف‌کنندگان تحت فشار قرار خواهند گرفت. من نمی‌توانم ببینم حتی جدیدترین راکتورها با قیمت‌هایی که در بازار رقابتی عرضه می‌کنند، بیشتر از ۱۰ سال دوام بیاورند. نیروی هسته‌ای به یک سرمایه به‌گل‌نشسته تبدیل خواهد شد. این گزارش نشان می‌دهد فقط ۳۱ کشور از ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل صاحب نیروگاه‌های هسته‌ای هستند و ۹ کشور از آنها تصمیم به تعطیل‌کردن این نیروگاه‌ها با صرف‌تفردگرن از ساخت نیروگاه‌های جدید یا گسترش این سیاست‌ها دارند. ۱۱ کشور صاحب نیروگاه‌های فعال در حال حاضر مشغول ساخت نیروگاه جدید هستند، در حالی که ۱۱ کشور دیگر چنین برنامه‌ای در حال ساخت ندارند. فقط چهار کشور بنگلادش، بلاروس، امارات متحده عربی و ترکیه برای نخستین بار در حال ساختن نیروگاه هستند. در طول ۱۲ ماهه گذشته فقط روسیه و چین آغاز به بهره‌برداری از نیروگاه‌های جدید کرده‌اند؛ هفت نیروگاه در چین و دو نیروگاه در روسیه. یکی از «معماهایی» که در ملاقات متخصصان به بحث گذاشته شد، این واقعیت بود که برخی کشورها از جمله بریتانیا با وجود همه شواهد دال بر غیراقتصادی- و ارتباط نابذریودن نیروی هسته‌ای در مقایسه با انرژی‌های تجدیدپذیر، همچنان از آن پشتیبانی می‌کنند. آلن جونز، مدیر شورای بین‌المللی مشاوره انرژی، گفت یکی از این معماها آن است که ادعا می‌شود وجود انرژی هسته‌ای به عنوان نیروگاه بار پایه لازم است، زیرا انرژی‌های تجدیدپذیر فقط به‌طور متناوب در دسترس هستند. از زمانی که تعدادی از کشورها بیش از ۵۰ درصد از نیروی مورد نیاز خود را از انرژی‌های تجدیدپذیر به‌دست می‌آورند- و برخی دیگر حتی تا صد درصد یا رقمی نزدیک به آن- و تجربه قطع نیرو را هم نداشته‌اند، نشان داده شده است این ادعا صحت ندارد. به عقیده جونز، داشتن نیروگاه‌های بزرگ انعطاف‌ناپذیر که نمی‌توان آنها را خاموش کرد، نقصی جدی در سیستم شبکه مدرن برق به شمار می‌رود؛ آنجا که نیروهای تجدیدپذیر قادرند با هزینه بسیار کمتری برای مدت‌زمانی معین نیروی مورد نیاز را تأمین کنند. ایمری لاونیز می‌گوید: «رویکرد بریتانیا تحت سلطه ایدئولوژی هسته‌ای قرار دارد که به وسیله سیاست و اعتقادات مستقرشده بود هیچ ارتباطی با واقعیت، هدایت می‌شود. نیروی هسته‌ای چیزی جز تلف‌کردن وقت و پول در مبارزه با خطر تغییرات اقلیمی نیست.»

خواننده عزیز ستون قلم سبز!

همان‌طور که مشاهده می‌کنید، افسانه انرژی هسته‌ای به عنوان یک انرژی سبز و نجات‌بخش آینده جهان رو به افول است. سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی هسته‌ای حتی دیگر صرف اقتصادی هم ندارد. افزون بر آن، نخستین قربانی تغییرات اقلیمی و افزایش سطح آب‌های آزاد همانا نیروگاه‌های هسته‌ای هستند. کاش این دانستگی‌ها را زودتر می‌دانستیم.

#### یادداشت

### کتاب‌سوزی، شرم‌آورترین حرکت در جهت ترویج نادانی



مینو بدیعی

● روزگار غریبی است نازنین، غریب‌تر از آنچه می‌اندیشی، در کوچه، در خیابان، بیابان. به خانه که می‌روی هزاران دغدغه جسم و جانت را می‌آزارد. به خود می‌گویی: «چون پیر شدمی حافظ از میکده بیرون شوم... اما این فکر تو را بیشتر به وادی بی‌حاصلی و رنج پرتاب می‌کند . شبکه‌های رسانه‌ای فارسی‌زبان همه یک‌صدا ذهن و روح‌ت را می‌آزاند؛ همه برای مردم ایران دلسوزی می‌کنند اما کدام دلسوزی؟ سال‌ها پیش، بعد از اینکه از روزنامه‌ای رانده شده بودی، در نامه‌ای به سردبیرش نوشته بودی «خسته‌ام، خسته‌تر از همه جهان» لایذ چقدر خوشحال شده بود آن سردبیر؛ البته بیشتر ناسردبیر؛ به قول صادق هدایت، زنجموره‌وا... ناله‌هایت را خواند و لایذ به خود بالید: «خوب تو پوزت زدم». دوباره نمی‌خواهی که این زنجموره‌های هزارساله را به قول آن دوست گرامی همکاران تکرار کنی اما واقعا این جامعه را چه شده است .

مردی با کمال وقاحت در برابر هزاران چشم که نظاره‌گر او هستند، یکی از مرجع‌های علم پزشکی امروز را می‌سوزاند تا بگوید لایذ ما از نمایندگان نظام اسکولاستیک قرون وسطای اروپا هم قاطع‌تر هستیم؛ قاطع در کتاب‌سوزی و قاطع در... کتاب زندگی گالیله اثر پرتولت برشت، نمایش‌نامه‌نویس مشهور آلمانی را به یاد می‌آوری که او را به جرم تحقیقات علمی‌اش راجع به کره زمین و سیارات به پای میز محاکمه کشانده بودند و او بعد از اینکه نتوانست از خود دفاعی در برابر کشتیان بکند و به مرگ محکوم شد، مجبور به توبه شد اما زمانی‌که از دادگاه پای به بیرون گذاشت، سرش را روی زمین قرار داد و گفت: «اما ای زمین! ما که می‌دانیم تو گرد هستی و به دور خود می‌چرخi».

بیادت می‌آید آن که کتاب هریسون یکی از منابع علم پزشکی را سوزانده است ادعا می‌کند که بیماری‌ها را با دعا از بین می‌برد، یعنی همه این میکروب‌های زشت و ناشایست که لویی‌پاستور دانشمند آنها را کشف کرد و براساس کشفیات درخور توجه او، پنی‌سیلین و انواع آنتی‌بیوتیک‌ها تولید شد و آنها تا آنجا که توانستند دمار از روزگار باکتری‌ها و انواع بسیار به آنها درآوردند. دیگر در آستانه دهه سوم قرن بیست‌ویکم، بیماری آبله که میلیون‌ها نفر را در طول قرن‌ها کشته بود، ریشه‌کن شده، طاعون دیگر فراگیر نمی‌شود، بیماری‌های عفونی هرکدام راه‌حلی یافته‌اند اما پزشکی امروز هم متحیر مانده است که با جنگ میکروبی و ویروسی قدرت‌های جهانی چه کند؟ بدیهی است که این موضوع به این بحث ارتباطی ندارد. باید از مسئولان نظام درمانی و بهداشتی کشور پرسید زمانی که دانشکده‌های متعدد پزشکی، داروسازی، دندان‌پزشکی، پیرایشگری، پرستاری و... برپا می‌شود که جوانان علم پزشکی را بیاموزند و بعد از فارغ‌التحصیلی بنا بر سؤگندنامه بقرطاد در خدمت بیماران و مردم کشور خود یا دیگر کشورها باشند، این چه نگرش و سیستمی است که به فردی اجازه می‌دهد کتاب‌سوزی و پزشکی را هیندازد و حتی طب اوبعلی سنینا دانشمند معروف ایرانی که نظراتش در اروپای قرون وسطا درباره پزشکی در کتاب قانون، جان هزاران بیمار را در آن زمان نجات داد، ریز سؤال ببرد . واقعا این چه نگرشی است که علیه علم آن هم دانش پزشکی که با جان انسان‌ها سروکار دارد، پرچم مخالفت و تفریود و تراوشت ذهنی یک فرد آنچه را علم پزشکی در طول قرن‌ها تحقیق، پژوهش و مطالعه به آن دست یافته است، بی‌معنا جلوه دهد! مسئولان بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور، آری، شما مقصر هستید، شما‌ی که قدرت و تأثیرگذاری رسانه‌ای‌تان ضعیف است و درمورد مسائلی از آن قبیل، آگاهی اساسی به جامعه نمی‌دهید! انتظار این بود که مسئولان بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نظیر خود وزیر بلافاصله بعد از این کتاب‌سوزی در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو-تلویزیونی شرکت کرده و آن فرد را کلاهبردار و ضدعلم پزشکی معرفی می‌کردند. رسانه‌های محترم به ویژه مطبوعات ستنی و چاپی، شما هم رسالت خود را فراموش کرده‌اید یا اجازه ندارید یا اینکه... مگر نه اینکه رسالت مهم رسانه‌های چاپی در این زمینه این است که اطلاع‌رسانی به همه شکل آن را انجام دهند؟ به بیان دیگر مگر نباید فردی را که کتاب هریسون را سوزانده یک کلاهبردار و متخلف معرفی کنند؟ آیا این کار را کرده‌اند؟ چه چیزی دست آنها را بسته است؟ آیا نباید رسانه ملی، تریون را از فردی این چنین بگیرد و امکان تبلیغ را از او سلب کند؟ مردم عزیز، خانواده‌های محترم بیماران باور کنید که انواع طب‌ها که بر پایه تراثات ذهنی آدم‌های در حقیقت کلاهبردار خلق شده‌اند، درمانگر بیماران شما نیستند. آگاه بمانید! هیچ دانش و علمی بر پایه توهم و ذهنی‌گرایی به وجود نیامده است؛ همه علوم نتیجه سال‌ها و قرن‌ها مطالعه، بررسی و پژوهش است.